ساناز رنجی، حسین سرپولکی[1]

سیر تحول لعاب سلادون

ظرف با پوشش لعاب سلادون محصولی سرامیکی است که در کنار آثار شگفت‌انگیزی چون زرین‌فام، مینایی، آبی‌وسفید جایگاهی ارزشمند دارد. نخستین بار در حدود دوهزار سال قبل از میلاد، تلاش سفالگران چینی در تولید ظروفی مشابه سنگ یشم، که نزد آنان بسیار باارزش و گران‌بها بود و حرمت بسیار داشت، به ساخت ظروف سلادون انجامید. این ظروف در کشورهای دیگر، چون ایران، کره، ترکیه، همچون زادگاهش ارزشمند بود و در این سرزمینها در زمانهای مختلف تقلیدهای بسیاری از نوع اصلی آن صورت گرفت. در این زمینه، در ایران تلاشهای بسیاری شد و کانونهای متعدد ساخت ظرف سلادون پدید آمد.

در زمان حملهٔ مغولان، که سفالگری ایرانی به لحاظ ویران شدن بسیاری از مراکز اصلی دچار رکود نسبی شده بود، ظهور ظروف سلادون در منطقهٔ کرمان به این هنر و صنعت دوباره جان بخشید؛ آن‌چنان‌که در برخی از منابع، از سفال ایرانی در ذیل سفال کرمان یاد شده است. این شکوفایی در دوره‌های تیموریان و صفویان نیز ادامه یافت و مراکز گوناگون سفالگری با لعاب سلادون در ایران فعال شد. سفالگران ایرانی اگرچه از الگوهای چینی تقلید می‌کردند، به‌تدریج ذوق و فن ایرانی را نیز در آن وارد کردند و سلادونی خاص ایران پدید آوردند.

سفال از کهن‌ترین و مهم‌ترین ساخته‌های انسان است. هزاران سال قبل، زمانی که انسان اولیه به ظرف برای نگهداری غذا پی برد، با به کارگیری خلاقیت خود در استفاده از خاک موفق به ساخت ظروف سفالین اولیه شد. سفالینه‌های اولیه خشن بود و فرمهای ساده و دست‌ساز داشت؛ ولیکن با گذشت زمان واختراع چرخ سفالگری، تنوع و ظرافت بیشتری یافت.

در میان آثار به‌دست‌آمده در کاوشهای باستان‌شناسی، سفال همواره جایگاهی ویژه داشته است؛ چراکه به بهترین نحو از فرهنگ، شیوهٔ زندگی، طرز تفکر، و باورهای دینی اقوام مختلف حکایت می‌کند.

کهن‌ترین قطعات سرامیکی‌ای که در ایران به دست آمده سفالینه‌های متعلق به هزارهٔ هشتم قبل از میلاد است، که در منطقهٔ گنج‌دره، در غرب کرمانشاه، و نیز در نزدیکی بهشهر، در مازندران، کشف شده است.[2]

پیشینهٔ کاربرد لعاب در ظروف سفالین در ایران به حدود هزارهٔ اول قبل از میلاد می‌رسد. قبل از این زمان هم لعاب در ایران شناخته بود ــ چنان‌که در سطح آجرهای معبد چغازنبیل (قرن سیزدهم قبل از میلاد) لعاب دیده می‌شود ــ ولی کاربرد آن عمومیت نداشت.[3] در دوره‌های بعد، استفاده از پوششهای لعابی رواج بیشتری یافت. نمونهٔ آن کاشیهای لعاب‌دار زیبای دورهٔ هخامنشیان در شوش و تخت جمشید و ظروف لعاب‌دار تک‌رنگ آبی و سبز در دوره‌های اشکانیان و ساسانیان است.[4]

در سدهٔ اول/ هفتم، با ورود اسلام به ایران، سفالگری وارد مرحله‌ای جدید شد که بدان سفالگری دوران اسلامی می‌گویند. با استقرار شریعت اسلام، پیکره‌سازی و ساخت ظروف طلا و نقره از رونق افتاد؛ اما در مقابل، سفالگری شکوفا شد و بسیار گسترش یافت و شهرهایی نظیر ری، کاشان، نیشابور، گرگان، ساوه، کرمان، ری به مناطق مهم سفالگری ایران تبدیل شد. کهن‌ترین نمونهٔ به‌دست‌آمده از سفالینه‌های اولیهٔ اسلامی مربوط به قرن دوم/ هشتم است. این سفالینه لعاب ندارد و نقشهای روی آن بسیار ساده است.

ظاهراً در صدر اسلام صنعت سفالگری ساده و کاربردی بوده و در آنها جنبه‌های کاربردی بر زیبایی ارجحیت داشته است؛ اما به‌تدریج در آن از طرحها و نقوش ادوار قبل از اسلام، همچون ساسانی و هخامنشی،

ت۱. بشقاب با نقش ماهی، سنگ یشم. چین

بهره گرفتند و به جنبه‌های زیبایی نیز توجه کردند.

از انواع ظروف سفالین لعاب‌دار دوران اسلامی در ایران می‌توان از سفالینه‌هایی با لعاب لاجوردی، لعاب زرین‌فام، لعاب مینایی، لعاب آبی‌وسفید، و لعاب سلادون[1] یاد کرد.

بر طبق مدارک و شواهد تاریخی، ظرف سلادون نخستین بار در اواخر دورهٔ ایلخانیان از چین وارد ایران شد.[5] چین کانون ایجاد سرامیک در دمای بالاست. سفالگران چینی از دوران نوسنگی توانایی و بی‌همتایی‌شان را در این صنعت نشان دادند. دمای کوره‌های آنان در دوران باستان تا حدود ۱۲۰۰ درجهٔ سانتی‌گراد نیز می‌رسید؛ در حالی که در مراکز سفالگری اروپا و آسیا، دمای کوره‌ها از حدود ۹۰۰ درجهٔ سانتی‌گراد فراتر نمی‌رفت.[6]

شکوه و جلوهٔ ظروف سلادونْ سفالگران ایرانی را، همچون همتایانشان در دیگر سرزمینها، مبهوت و شگفت‌زده کرد وآنان را واداشت در تقلید از سلادون چین بکوشند. گرچه تقلیدهای اولیهٔ سفالگران ایرانی ضعیف و خام‌دستانه بود؛ به‌مرور زمان به چنان پیشرفتی دست یافتند که تشخیص نمونه‌های اصل و تقلیدی دشوار می‌نمود. سفالگران ایرانی با ذوق و خلاقیت خویش توانستند، طرحهای بدیعی از سلادون را خلق کنند. با این همه، از جایگاه این گونه سفالینه در منابع چندان سخنی نرفته و در این باره تحقیق کافی نشده است.

(1) celadon

(2) feldspathic

در این مقاله می‌کوشیم به این قطعهٔ گم‌شده از تاریخ سفال اسلامی بپردازیم و جایگاه آن را در میان سفالینه‌های این دوران در ایران روشن کنیم.

تعریف سلادون

واژهٔ سلادون در فرهنگ لغت فرانسه به فارسی[7] به معنای سبز روشن و مغزپسته‌ای آمده است؛ و در فرهنگ مختصر آکسفورد،[8] به معنای لعاب سبز مایل به خاکستری که بر برخی از سفالینه‌ها می‌دهند.

سلادون نام خانواده‌ای از لعابهاست که در تاریخ سرامیک جهان پیشینه‌ای دیرینه دارد. این لعاب نخستین بار در چین (در حدود ۱۶۰۰ق‌م)، که از مراکز مهم و اصلی ظهور و تکامل ظروف سرامیکی پخته در دمای بالا است، ساخته شد.[9]

سفالگران چین همواره توجه و دقت خاصی به اثر مواد و عناصر مختلف در بدنه و لعاب داشتند وهم‌زمان با پیشرفت در تولید بدنه‌های پخته در دمای بالا، توجه آنان به چگونگی و تأثیر لعابهای فلدسپاتیک[2] بر بدنهٔ سرامیکی جلب شد. آنان متوجه شدند که اکسید آهن موجود در این لعابها در محیط احیایی کوره طیف گستردهٔ رنگی شامل سبز، سبز مایل به خاکستری، زیتونی، سبزآبی، آبی، زرد کاهی، و قهوه‌ای ایجاد می‌کند. از این راه، آنان توانستند اشیایی همانند سنگهای سخت، با استحکام بسیار و گاه قیمتی بسازند که امروزه سلادون نامیده می‌شود.[10] شباهتهای بسیار زیاد رنگ سلادون به سنگ یشم[11] (ت۱)، که چینیان ارزشی فوق‌العاده برای آن قایل بودند و کنده‌کاریهای زیبایی بر آن می‌کردند، موجب اهمیت بسیار این لعاب شد و حتی سالیان دراز، استادان این صنعت طرز ساختن آن را راز می‌شمردند و فقط به شاگردان خاص خود می‌آموختند.

ویژگیهای لعاب سلادون

از جمله ویژگیهای این لعاب طیف رنگی گسترده‌اش (از سبز تا قهوه‌ای) است. این تنوع رنگی بسته به ضخامت لعاب و شرایط کوره متفاوت است. همچنین این لعاب موجب می‌شود که برجستگیهای نقوش بر ظرف بهتر نمایان شود. مهم‌ترین نقوش ظروف سلادون نقش ماهی، نیلوفر آبی (لوتوس)، ابرهای پیچیدهٔ چینی، و سایر

	SiO_2	Al_2O_3	CaO	MgO	K_2O	Na_2O	TiO_2	Fe_2O_3	MnO_2
لعاب	۶۹/۱۶	۱۵/۴۰	۸/۳۹	۰/۶۴	۲/۸۷	۰/۳۲	-	۰/۹۵	-
بدنه	۶۷/۸۴	۲۲/۹۳	-	۰/۶۶	۵/۲۲	۰/۳۲	۰/۹۴	۲/۱۰	۰/۰۰

ت۲. (راست) تجزیه و تحلیل شیمیایی لعاب و بدنهٔ یک قطعه سلادون

نقش‌مایه‌های چینی است.

دنیای شگفت‌انگیز و رمزآلود سلادون و مجموعه اعتقاداتی که با ظروف سلادون عجین شده است از دیگر ویژگی این نوع سفالینه است؛ مثلاً ایرانیان و ترکان معتقد بودند که اگر ماده‌ای زهرآلود در آن بریزند بی‌درنگ رنگ آن دگرگون می‌شود و از وجود زهر خبر می‌دهد.[۱۲]

ساخت لعاب سلادون

لعاب سلادون در دید اول شاید بیش از لعاب آهکی‌ـ قلیایی ساده‌ای حاوی حدود یک‌درصد اکسید آهن نباشد که در شرایط احیایی پخته شده است. اما ساخت لعاب سلادون اصیل بسیار مشکل است و به مجموعه‌ای از عوامل متغیر، شامل ترکیب لعاب و شرایط پخت و ضخامت پوشش، وابسته است.

در برخی از تحقیقاتی که اخیراً در لعابهای لانگ کوئان[۳] (متعلق به دورهٔ سونگ[۴]) به کمک میکروسکوپهای نوری و الکترونی انجام شده است، ترکیب اصلی و چگونگی حرارت‌دهی لعاب سلادون را کاملاً تشخیص داده‌اند؛[۱۳] مثلاً در مطالعهٔ ریزساختاری نوعی از لعاب سلادون، کوارتز برجامانده و حبابهای گاز در این لعاب به‌وضوح مشخص است. از اینجا معلوم می‌شود که لعاب را تا حد پخت کامل حرارت نداده‌اند؛ علاوه بر این، بقایای کوارتز گواه این است که از ماسهٔ ریز به منزلهٔ ماده خام در لعاب استفاده کرده‌اند. همهٔ مشاهدات فیزیکی در ظروف لانگ کوئان بر استفاده از رس مرغوب به‌منزلهٔ مادهٔ خام اولیه همراه با منابع غنی فلدسپات دلالت می‌کند.[۱۴]

از سوی دیگر، تجزیه و تحلیل با استفاده از پرتو ایکس در میکروسکوپ الکترونی ترکیب فلدسپاتی کم‌پتاسیم با آهک افزوده را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که این بدنه‌ها را نیز با مقادیر مساوی فلدسپات پرپتاسیم و خاک چینی (کائولن[۵]) با سیلیکا[۶]ی افزوده ساخته‌اند (ت۲).[۱۵]

ت۳. (چپ) گلدان سلادون لانگ کوئان

رنگ همهٔ سلادونهای لانگ کوئان سبز تا آبی است. اندکی تغییر در ضخامت لعاب، دمای حرارت‌دهی، یا شرایط احیا منجر به ایجاد طیف رنگی نسبتاً گسترده‌ای در کوره می‌شود.

سلادون لانگ کوئان مطلوبْ لعابی ضخیم و پرمایه به رنگ سبز تا آبی دارد که آن را بر بدنهٔ خاکستری داده‌اند (ت۳). معمولاً چنین لعابی ترکیب آهک‌ـ فلدسپات، سیلیس، رس، آهن دارد؛ اما برای کسب بهترین نتیجه شرایط کمکی دیگری نیز لازم است:

۱. ضخامت لعاب: ضخامت لعاب باید در حدود ۱ تا ۲مم باشد. این ضخامت جلوهٔ عمیقی به ظرف می‌بخشد که وجهی از حالت رمزآلود سلادون لانگ کوئان است. این ضخامت به ترک نخوردن ظرف و موج نداشتن آن نیز کمک می‌کند.

۲. حرارت‌دهی (پخت احیا): مهم‌ترین معیار برای رنگ نهایی لعابْ دما و زمان حرارت‌دهی است؛ به‌گونه‌ای که

(3) Lang Kuan

(4) Sung (960-1279 AD)

(5) kaolin

(6) silica (Silicon Dioxide)

ت۴. سلادون اولیه، معروف به زون. سلسله شانگ، ۱۶۰۰–۱۱۰۰ق‌م

باید به‌تدریج به دمای نهایی نزدیک شد. حرارت‌دهی کم در لعابهای ضخیم از شُره کردن و روان شدن لعاب جلوگیری می‌کند.

۳. لعاب دادن بر بدنهٔ خاکستری آهن‌دار: برای ایجاد رنگ مناسب سلادون، رنگ بدنه بسیار مهم است؛ مثلاً با بدنهٔ سفید، سلادونی با رنگ سبز تصنعی به دست می‌آید.

تاریخچهٔ سلادون

سلادون نه تنها در زادگاهش، چین، بلکه در سایر سرزمینها نیز مقبول و خواستنی بوده است؛ به‌طوری که در کشورهایی چون کره، ژاپن، تایلند، ایران، ترکیه، مصر نمونه‌های بسیاری از سلادون باقی مانده است.[۱۶]

سلادون در چین

اولین سلادونها ظروفی معروف به زون (تسون)[۷] بود (ت۴)؛ مربوط به سلسلهٔ شانگ[۸] (قرون هجدهم تا دوازدهم قبل از میلاد)، که به «سلادون اولیه» شهرت دارد. این ظروف با سفالهای اولیه که از گل رس ساخته می‌شد عمدتاً در دو جنبه تفاوت دارد:[۱۷]

۱. در ساخت سلادون اولیه، از خاک چینی سفید (کائولن) استفاده می‌شد؛

۲. دمای پخت دست‌کم ۱۲۰۰ درجهٔ سانتی‌گراد (محدودهٔ پخت چینی) بوده است، که بسیار بیش از دمای حرارت‌دهی سفال (۸۰۰–۹۰۰ درجه) است.

این دو تفاوت در مواد اولیه مصرفی و دمای حرارت‌دهی منجر به تولید بدنه‌های پورسلِن (پُرسلان)[۹] یا چینی شد.[۱۸]

طبق آخرین یافته‌ها، قدیمی‌ترین پورسلِن چینْ سلادون اولیهٔ سلسله‌های شانگ و ژو[۱۰]، که در اساس به سلادون سلسلهٔ سونگ شبیه است.[۱۹] پورسلن مستقلاً از سلادون مشتق شد؛ و به عبارتی سلادونها نخستین پورسلنها بودند. بنا بر این، ظهور سلادون اولیه پیشرفتی تاریخی در تحول سرامیک چین در تولید پورسلن نیز به شمار می‌رود.

سلادون اولیه با ویژگیهایی برتر از سفالهای پیشین به‌سرعت رواج یافت و هم‌زمان کیفیت آن نیز بهبود یافت. این تحول موجب شد تجارت جدیدی در صنایع دستی پورسلن در کنار تجارت سفال پدید آید. گستردگی تجارت سلادون اولیه در سراسر چین از قطعاتی از این سفال معلوم می‌شود که در نقاط گوناگون چین یافته شده است.[۲۰]

در دورهٔ ایالتهای در حال جنگ[۱۱] (۴۷۵–۲۲۲ق‌م)، بدنهٔ سلادونْ خمیری فشرده و شکلهای معمولی داشت. بیشتر ظروفْ تقلیدی از ظروف مفرغی‌ای بود که در آن دوره تولید می‌شد.[۲۱] در آغاز سلسلهٔ هان غربی،[۱۲] یعنی قرن سوم قبل از میلاد، مجموعه‌های کاملی از ظروف سلادون ساخته شد.[۲۲]

تولید سلادون در دورهٔ پادشاهیهای سه‌گانه[۱۳] و سلسلهٔ جین[۱۴] و سلسله‌های جنوبی[۱۵] و شمالی[۱۶]، به سبب گسترش مناطق تولید، افزایش بسیار داشت. در دورهٔ سلسلهٔ هان، مراکز تولید سلادون چین در استانهای کناره‌های میانی و پایینی رودخانهٔ یانگ‌تسه[۱۷] بود؛ ولی در این دوره به بخشهای بالای یانگ‌تسه و مناطق دیگر هم کشیده شد.[۲۳]

در دورهٔ سلسلهٔ تانگ[۱۸] با گسترش مناطق تولید سلادون، کیفیت تولیدات هم افزایش یافت. در این بهبود کیفیت، برخی از کوره‌های پورسلن بسیار مؤثر بود. در آن دوره، کوره‌های پورسلن را به نام مکانشان می‌خواندند و این‌چنین، مکاتب گوناگون ظروف چینی تانگ پدید آمد.

از کتاب *آداب چای*[۱۹]، که لو یو[۲۰] در دورهٔ سلسلهٔ تانگ در قرن هشتم میلادی نوشت، اطلاعات بسیاری دربارهٔ انواع ظروف چینی در مناطق گوناگون

(7) zun/ tsun

(8) Shang (c. 16th-11th century BC)

(9) porcelain/ porcelaine

(10) Zhou (c. 11th century-221 BC)

(11) Warring States Period (475-221 BC)

(12) Western (Former) Han (206 BC-24 AD)

(13) Three Kingdoms: Wei (220-265), Shu (221-263), Wu (222-280)

(14) Jin (265–420 BC)

(15) Southern Dynasties: Song (420-479), Qi (479-502), Liang (502-557), Chen (557-589)

(16) Northern nasties:Northern Wei (386-534), Eastern Wei (534-550), Western Wei (535-557), Northern Qi (550-577), Northern Zhou (557-581)

(17) Yangtze

(18) Tang (618-907)

(19) *Canon of Tea* (8th century AD)

(20) Lu Yu

چین به دست می‌آید. او علاوه بر فهرست کردن محصولات مناطق معروف، آن محصولات را از نظر مناسبت برای نوشیدن چای نقد کرده است.[۲۴]

یکی دیگر از جالب‌ترین نکات در مورد ظروف سلادون در دوره تانگ کاربرد این ظروف به منزلهٔ ساز است.

در دورهٔ سونگ، ساخت سلادون در چین به اوج رسید (ت۵)؛ چندان‌که واژهٔ سلادون با دورهٔ سونگ مترادف شده است.[۲۵] مهم‌ترین مرکز ساخت سلادون در این دورهٔ لانگ‌ـ‌کوئان بود.

در سال ۱۲۶۰م، سلسلهٔ سونگ جنوبی[۲۱] بر اثر تهاجمات پیوستهٔ قُبلای قاآن، بزرگ‌ترین جانشین چنگیز و مؤسس سلسلهٔ مغولی یوئان[۲۲]، فرو پاشید. با آنکه این سلسله ۱۲۸ سال بیشتر بر چین سلطه نداشت، اثری ژرف بر فرهنگ چین گذاشت.[۲۶]

مغولان ظاهراً در کار سفالگران چینی، که روزبه‌روز بر مهارت خود می‌افزودند، دخالتی نکردند. آنان از چین برای تجارت بهره بردند. بازرگانان مسلمان ایرانی و عرب از رونق تجارت چین استقبال کردند و بسیاری از آنان در بندرهای جنوب چین سکنا گزیدند. تعداد این بازرگانان چندان بود که در چند شهر جوامع مسلمانان تشکیل شد و خاورمیانه به بازاری مهم برای سرامیک چین تبدیل شد. در این دوره چینیِ مرغوب لانگ‌ـ‌کوئان را به این بازار می‌آوردند. به همین سبب، عجیب نیست که سبک لانگ‌ـ‌کوئان دستخوش تغییر ناگهانی نشد و به صورت سنتی از سلسلهٔ سونگ به سلسلهٔ یوئان منتقل شد.[۲۷]

اهمیت سلادون یوئان در سال ۱۹۷۶ با کشف کشتی‌ای که در اوایل قرن چهاردم میلادی در خلیج کره غرق شده بود بیش از پیش مشخص شد. محمولهٔ کشتی عمدتاً سلادون لانگ کوئان بود، که تاکنون ۹۵۰۰ قطعه از آن بیرون آورده شده است. از این رو، بیشترین تعداد سلادونهای چینی جهان اکنون در موزهٔ ملی کره نگهداری می‌شود، که تاریخ همهٔ آنها به اوایل قرن چهاردهم میلادی برمی‌گردد.[۲۸]

بدنه و لعاب در ظروف یوئان و سونگ تفاوت چندانی با هم ندارند؛ جز اینکه لعاب یوئان نازک‌تر است و در آن ته‌رنگ آبی به‌ندرت یافت می‌شود و بیشتر آنها به رنگ سبز مایل به شیری یا زرد است. در دورهٔ یوئان

ت۵. ظرف سلادون دوره سونگ

بیش از دورهٔ سونگ به تزیین توجه می‌کردند و در تزیین از فنون متنوع‌تری بهره می‌گرفتند؛ اما تنوع نقش‌ونگارهای آن از نقوش ظروف سونگ کمتر است و در آنها بیشتر از نقش نیلوفر و گل صدتومانی استفاده شده است. گاه از نقش جانوران واقعی یا افسانه‌ای، از قبیل ماهی، اژدها، آهو، ققنوس؛ یا طرحهای انتزاعی، مانند طرحهای پیچ‌دار، موّاج، گلبرگی، مشبک و علامتهای مختلف هم استفاده کرده‌اند.از ابزارهای متداول تزیین سلادون در این دوره مهرهای طرح‌دار و مدوّر است که آنها را در مرکز ظرف می‌کوبیدند.[۲۹]

در سال ۱۳۶۸م، سلسلهٔ بومی مینگ[۲۳] جانشین سلسلهٔ مغولی یوئان شد. در دورهٔ این سلسله، ظرف چینی (پورسلن) در جینگ‌دِژن[۲۴]، در ایالت جیانگ‌زی[۲۵]، به‌وفور ساخته شد. در دورهٔ یوئان، اصالت ظروفی که در کوره‌های لانگ‌ـ‌کوئان ساخته می‌شد محفوظ مانده بود؛ اما در دورهٔ مینگ در این کوره‌ها سلادونهایی ساختند که در طرح و رنگ متأثر از چینیِ جینگ دژن بود. این طرحها چندان مناسب ظروف سلادون نبود؛ به همین علت، سلادون لانگ‌ـ‌کوئان در دورهٔ سلسلهٔ مینگ هیچ‌گاه به مقام سلادونهای یوئان و سونگ نرسید. رونق کوره‌های جینگ دژن افول کوره‌های لانگ‌ـ کوئان را به همراه

(21) Nan Sung (1127–1279 AD)

(22) Yüan (1271–1368 AD)

(23) Ming (1368–1644 AD)

(24) Jingdezhen/ Ching-te-chen

(25) Jiangxi/ Kiangsi/ Chiang-hsi

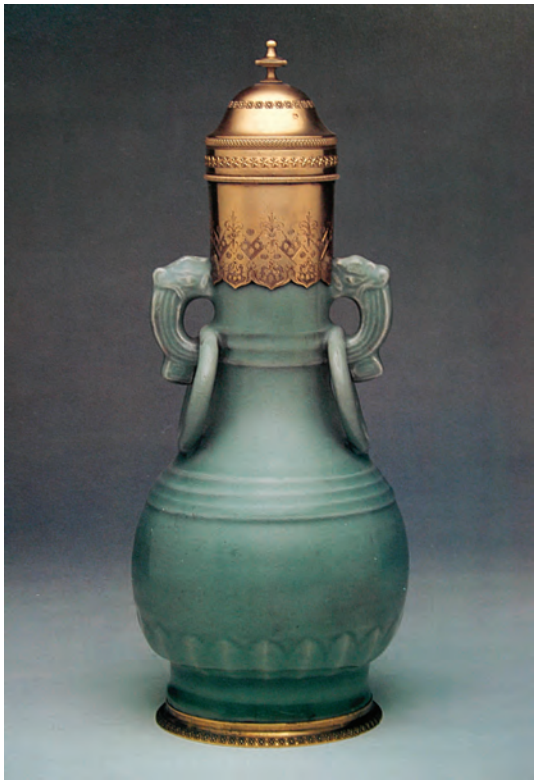

ت۶. ظرف سلادون، موزهٔ توپ‌قاپی، استانبول

داشت؛ به‌طوری‌که کوره‌های لانگ‌ـ کوئان در این دوره از مرتبهٔ شهرت بین‌المللی به مرتبهٔ محلی نزول کرد.[۳۰]

سلادون در کره[۳۱]

ظرف سلادون در کره نیز محبوب و گران‌بها بود و از آن بسیار تقلید می‌کردند؛ چندان‌که در طی پنج قرن حکومت سلسلهٔ کوریو[۲۶]، سلادون اصلی‌ترین محصول سرامیک در کره بود.

(26) Koryŏ (935-1392 AD)

سلادون کره از نظر فرم و فنون متأثر از سلادون چین است؛ اما از حیث طراحی سطوح کاملاً بومی و خاص است و در آن از فن محلی خاصی به نام سنگام[۲۷] استفاده شده است.

(27) Sanggam

اگرچه موزه ملی کره دارای بیشترین تعداد سلادون در جهان است؛ از نظر کیفیت، سلادون چین به‌مراتب برتر از سلادون کره است.

سلادون در ترکیه

در دربار عثمانی، سلطان سلیم اول (حک ۹۱۸–۹۲۶ق/ ۱۵۱۲–۱۵۲۰م) ظروف چینی رنگارنگ بسیاری داشت؛ اما بیش از همه به سلادون علاقه‌مند بود. ظروف سلادون را در گنجینهٔ سلطان سخت گرامی می‌داشتند و فقط برای ضیافت بیرون می‌آوردند. سلطان سلیم ظروف سلادون را به رسم هدیهٔ شاهانه به پادشاهان دیگر کشورها می‌داد.[۳۲]

پس از موزهٔ ملی کره، بزرگ‌ترین مجموعهٔ سلادون جهان، با حدود ۱۳۵۰ ظرف از میان بیش از ده‌هزار ظرف چینی، متعلق به موزهٔ توپ‌قاپی‌سرا در ترکیه است. عثمانیان این ظروف را نه از چین، بلکه از ایران و مصر و مانند آنها به کاخ توپ‌قاپی آورده‌اند (ت۶ و ۷ و ۸).[۳۳]

سلادون در ایران

سلادون چین، همانند ظروف آبی‌وسفید، در جهان اسلام همواره مقبول و خواستنی بوده است و هیچ محوطهٔ باستان‌شناسی در خاورمیانه و نزدیک نیست که چنین ظروفی در آن یافت نشود. چنین علاقه‌ای به سلادون چین، سفالگران ایرانی را در اواخر دورهٔ ایلخانیان، و بعد از آن در دوره‌های تیموریان و صفویان، به تقلید از آنها ترغیب کرد.[۳۴]

ساخت سفال لعاب‌دار پیش از آن نیز در ایران رایج بود؛ مثلاً در دورهٔ سلجوقیان، ری و کاشان مهم‌ترین مراکز سفالگری بود. مغولان ری را در آغاز قرن هفتم/ سیزدهم غارت کردند و از آن پس ظاهراً دیگر سفالگری در آن شهر پا نگرفت. اما در کاشان، که از غارت مغولان در امان مانده بود، تولید ظروف براق با نقوش زیرلعابی ادامه یافت.[۳۵]

در اواخر قرن هفتم/ سیزدهم و اوایل قرن هشتم/ چهاردهم، مراکز سفالگری جدیدی پدید آمد، که از آن میان می‌توان کرمان، تخت سلیمان، سلطان‌آباد (اراک)، و حومهٔ مشهد را نام برد. علاوه بر این، در شهرهای کوچک نیز کارگاههای سفالگری محلی به ساخت ظروف سفالین پرداختند.

کرمان، که به واسطهٔ خیانت براق حاجب (قتلغ‌خان)، از امیران خوارزم‌شاهیان، از غارت مغولان در امان مانده بود، در این دوره یکی از مراکز مهم سفالگری شد. مغولان براق حاجب را به ولایت کرمان گماردند و او در آنجا سلسلهٔ قراختاییان کرمان (۶۱۹–۷۰۳ق) را تأسیس کرد. براق با قوانینی که در کرمان وضع کرد نقشی مهمی در تاریخ سفالگری ایران ایفا کرد.[۳۶]

ت۷. (راست) بشقاب سلادون با نقش اژدها. موزهٔ توپ‌قاپی، استانبول، سدهٔ چهاردهم میلادی، دورهٔ یوئان

ت۸. (چپ) ابریق سلادون. موزهٔ توپ‌قاپی، استانبول، سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی

پس از آن، یعنی در دوره‌های ایلخانیان و تیموریان و صفویان، کرمان همواره در سفالگری و ساختن ظروف سلادون سرآمد بود؛ آن‌چنان‌که در برخی از منابع، ظرف سلادون را «سفال کرمان» خوانده‌اند.[۳۷]

بنا بر متون فارسی، تیمور سفالگران چینی را به ایران فراخواند تا به سفالگران ایرانی بعضی فنونی را که در چین رایج بود آموزش دهند.[۳۸] گویا این رسم بعدها هم ادامه یافت؛ اگرچه اثبات آن دشوار است.

در سال ۱۳۴۵ش/ ۱۹۶۶م، دکتر فِهِرْواری[۲۸] به همراه پرفسور سایریل اسمیت[۲۹] در دو قلعهٔ معروف در کرمان، قلعهٔ اردشیر و قلعهٔ دختر، تحقیقات وسیع باستان‌شناختی کردند. در قلعهٔ دختر، فقط سفالهای دوران میانهٔ اسلامی، مخصوصاً ظروف لعابی و طلاکاری‌شده، یافت شد.[۳۹]

کاوش در قلعهٔ اردشیر دستاوردهای بیشتری داشت. در آنجا علاوه بر ظروف دوران اولیهٔ اسلامی، سلادونهای اصلی چین و سلادونهای تقلیدی محلی همراه با تعداد بسیاری تکه‌های سفال آبی‌وسفید کشف شد. این تکه‌ها اکنون در مؤسسهٔ شرق‌شناسی شیکاگو[۳۰] و قسمتی هم در مدرسهٔ شرق‌شناسی و افریقاشناسی در دانشگاه لندن[۳۱] در بخش جمع‌آوری اشیای باستانی نگهداری می‌شود. بعدها نمونه‌های بیشتری در غُبَیرا[۴۰] به دست آمد.[۴۱]

نمونه‌ای از سلادونهای تقلیدی در کرمان کاسه‌ای مربوط به نیمهٔ اول قرن هشتم/ چهاردهم است که کف کم عمق، کناره‌های گرد و لبهٔ برگشته، بدنهٔ خاکستری سفید با پوشش فریتیِ کوارتز[۳۲] در زیر لعاب سلادون دارد. در داخل آن سه نقش ماهی قالب‌گیری‌شدهٔ برجسته است؛ لبهٔ بیرونی ظرف کتیبه‌ای حک‌شده دارد و در زیر کتیبه خطوطی شبیه به لبهٔ گلبرگ نقش کرده‌اند.[۴۲]

آرتور لین[۳۳] کاسه‌ای مشابه کاسهٔ یادشده را منتسب به سلطانیه دانسته است؛ اما تحقیقات باستان‌شناختی اخیر در استان کرمان در محلی که بازمانده‌های بسیاری از سلادونهای چینی و نمونه‌های تقلیدی محلی در آن یافت شده این احتمال را پیش می‌آورد که کرمان منشأ این ظروف بوده است.[۴۳]

گرچه هنوز در صنعت سفال و مراکز آن در دورهٔ تیموریان تحقیق کافی نشده است و آگاهی ما از آن کافی نیست؛ به نظر می‌رسد که سفالگران آن دوره شیوهٔ سفالگری ایلخانیان را ادامه دادند. در این دوره، سلادون ظاهر شد و نگاره‌های این دوره بهترین گواه در این باره است؛ مثلاً در نگاره‌ای در *مجمع التواریخ*، سلادونی به رنگ فیروزه‌ای می‌بینیم که با نقوش اسلیمی به رنگ لاجوردی تزیین شده است.[۴۴]

در دورهٔ صفویه، سفالگران دوباره به ساخت

(28) Geza Fehervari

(29) Syril Smith

(30) School of Oriental and African Studies, University of London

(31) Chicago Oriental Institute

(32) Fritted Quartz

(33) Arthur Lane

ت۹. (راست، بالا) کوزه تک‌رنگ با نقش گل چهارپر. کرمان، دورهٔ صفویه، ۱۷م– ۱۸م، موزه طارق رجب، کویت

ت۱۰. (راست، پایین) کوزه چهاروجهی با لعاب سبز. کرمان، سدهٔ یازدهم/ هفدهم، موزهٔ طارق رجب، کویت

ت۱۱. (چپ) بشقاب سلادون ایران. کرمان، دوره صفویه، سدهٔ یازدهم/ هفدهم، موزهٔ طارق رجب، کویت

ظروف سلادون متمایل شدند. شاید این گرایش ناشی از علاقهٔ وافر شاه عباس به جمع‌آوری ظروف چینی باشد.این علاقه به‌حدی بود که او در مقبرهٔ جدش، شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در اردبیل چینی‌خانه‌ای ساخت و در کاخ عالی‌قاپوی اصفهان اتاقهای مخصوصی را به نگهداری این ظروف اختصاص داد.

در کل ظروف سلادون را، مانند ظروف آبی‌وسفید این دوره، می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. گروه اول، ظروفی که تحت تأثیر سلادون چین ساخته شد؛

۲. گروه دوم، ظروفی که با ابتکار سفالگران ایرانی با نقوش و تزیین جدید در دورهٔ صفویان رایج شد.[۴۵]

در سفالینه‌های گروه اول، نقش‌مایه‌های چینی، مانند اژدها و نیلوفر آبی و ماهی، به چشم می‌خورد و ظروف از نظر شکل تا حدی شبیه ظروف ساخت چین است. سفالینه‌های گروه دوم از نظر تزیین با گروه اول تفاوت دارد و رنگ آنها تیره و عموماً به شکل کاسه و بشقاب است. لبهٔ برخی از این ظروف کتیبه دارد.

درمیان انواع ظروف این دوره، ظروف تک‌رنگ[۴۶] و چندرنگ کرمان نیز دیده می‌شود؛ و این خود گواهی دیگر بر این مدعاست که کرمان در دورهٔ صفویان همچنان از مراکز مهم سفالگری بوده است.

این را که کرمان از مراکز (یا حتی تنها مرکز) تولید ظروف سلادون تقلیدی بوده می‌توان از تعداد بسیار ظروف لعابی تک‌رنگی دریافت که در آنجا تولید شده است. این ظروفْ بسیار متأثر از ظروف سلادون است و رنگ آنها (سبز مایل به خاکستری یا سبز متمایل به زرد) نیز شبیه سلادون است. در کنار این رنگها، از رنگهای آبی کبالتی و قهوه‌ای و ارغوانی روشن هم استفاده شده است. هم‌اکنون تعدادی از این ظروف در موزهٔ طارق رجب کویت نگهداری می‌شود (ت۹ و ۱۰).[۴۷]

در میان ظروف ایرانی این موزه، ظرف بزرگ

ت۱۲. (راست) کاسه سلادون اصل چینی. احتمالاً دورهٔ یوئان، موزهٔ ایران باستان، تهران

ت۱۳. (چپ، بالا) بشقاب سلادون با نقش ماهی. احتمالاً چینی (با توجه به کیفیت طراحی ماهیها و سنگینی ظرف)، موزهٔ آبگینه‌ها و سفالینه‌های ایران، تهران

ت۱۴. (چپ، پایین) بشقاب سلادون با نقش ماهی. نمونه تقلید ایرانیِ از سلادون چینی، موزهٔ آبگینه‌ها و سفالینه‌های ایران، تهران

مسطحی با برجستگی و خیاره‌کنی با لبهٔ باریک و گرده‌شده هست. این ظرف را از سفال قهوه‌ای (ارتن‌ور)[۳۴] ساخته و به آن لعاب سبز مایل به خاکستری داده‌اند (ت۱۱).[۴۸]

مقایسهٔ ظروف سلادون اصل و نمونه‌های تقلیدی

یکی از نکاتی که در بسیاری از سلادونهای تقلیدی ایرانی مشهود است بدنهٔ ظرف است که معمولاً از جنس سفال قهوه‌ای (ارتن ور) با لعاب سبز مایل به خاکستری است. این موجب می‌شود ظروف سلادون تقلیدی سبک‌تر از سلادونهای اصل چینی باشد.

نکتهٔ دیگر خیاره‌ها وشیارهای اطراف برخی از ظروف سلادون است. در نمونه‌های ایرانی، رگه‌ها وخیاره‌ها همگی پهنای یکسانی دارد و معمولاً باریک‌تر از نمونه‌های چینی است. در نمونه‌های چینی، رگه‌ها با نقاط لبهٔ ظرف ارتباط دارد. گاه چنین می‌نماید که سفالگر ایرانی این طرحها را از روی ظروف فلزی قرون اولیهٔ اسلامی برداشت کرده است، نه از نمونه‌های چینی (ت۱۱، نمونهٔ ایرانی؛ ت۱۲، نمونهٔ چینی).

از سوی دیگر، نقش ماهی از مهم‌ترین نقوش ظروف سلادون است؛ لیکن این نقش در ظروف سلادون اصل و تقلیدی متفاوت است. سلادونهای چین همواره حداقل دو و معمولاً سه یا چند ماهی دارد. در این سلادونها، یک ماهی سنگین با برجستگی بسیار به رنگ قهوه‌ای روشن با لکه‌های رنگی به‌غیر از رنگ لعاب ظرف و با جزئیات بسیار دیده می‌شود.

ماهیهای ظروف سلادون ایرانی بدنی ظریف و بلند دارد، با جزئیات کم و لبه‌های باریک و نوک تیز که بیشتر به خطاطی شبیه است. ماهیهای ایرانی به ماهی طبیعی شبیه‌تر است تا به ماهی چینی (ت۱۳، نمونهٔ چینی؛ ت۱۴، نمونهٔ ایرانی).

سلادونهای موزه‌های تهران

موزهٔ ملی ایران

بنا به گفتهٔ کارشناسان موزهٔ ایران باستان، در این موزه در حدود شصت ظرف سلادون نگهداری می‌شود که همهٔ آنها متعلق به مجموعهٔ بقعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی است. به‌جز یک بشقاب با نقش دو ماهی که تاریخ آن سدهٔ هشتم/ چهاردهم و متعلق به خراسان است و در بخش دوران اسلامی قرار دارد، بقیهٔ ظروف سلادون در انبار موزه نگهداری می‌شود (ت۱۲ و ۱۵ و ۱۶).

موزهٔ رضا عباسی

در این موزه نُه ظرف سلادون هست، که همهٔ آنها در روزگار تأسیس موزه از مجموعه‌داران خصوصی خریده شده است و به سبب نامعلوم بودن منشأ و هویتشان، آنها

(34) earthenware

ت۱۵. (راست، بالا) ظرف سه‌پایه سلادون اصل چینی. احتمالاً دورهٔ یوئان، موزهٔ ایران باستان، تهران

ت ۱۶. (چپ) گلدان سلادون اصل چینی. احتمالاً دوره یوئان، موزهٔ ایران باستان، تهران

ت۱۷. (راست، وسط) کاسهٔ سلادون. موزهٔ رضا عباسی، تهران

ت۱۸. (راست، پایین) بشقاب سلادون با نقش اژدها. موزهٔ رضا عباسی، تهران

را در معرض دید عموم نگذاشته‌اند (ت۱۷ و ۱۸).

موزهٔ آبگینه‌ها و سفالینه‌های ایران

بنا بر قول امین اموال فرهنگی موزه، این موزه شش ظرف سلادون دارد که همه از حفاران و فروشندگان قاچاق گرفته شده است. نیمی از این ظروف را در معرض دید عموم گذاشته‌اند (ت ۱۵ و ۱۶).

حاصل سخن

سفال از هنرهای کهن در ایران است و در طی تاریخ طولانی‌اش تحولات بسیاری داشته است. سفالینه نخست صورتی ساده و صرفاً متناسب با کاربرد داشت؛ به‌مرور آن را با نقوشی مبیّن اندیشه و بینش و دین اقوام آراستند.

از نقاط عطف در تاریخ سفال ابداع لعاب و فن و هنر لعاب‌دهی است که دنیای سفال را دگرگون کرد. هنرمندان انواع لعاب و شیوه‌های گوناگون لعاب‌دهی ابداع کردند و به‌تدریج ویژگیهای منطقه‌ای در این فن پدیدار شد.

در میان لعابهای دوران اسلامی در ایران، لعاب سلادون، که شاید از چشم بسیاری از هنردوستان پنهان

مانده باشد، از لحاظ هنری و تاریخی جایگاهی مهم داشته است.

سلادون در زمان مغولان و هم‌زمان با ویرانی و غارت آنان و از میان رفتن بسیاری از کانونهای سفالگری ایران به این سرزمین وارد شد و در زمان ایلخانیان پا گرفت. با آنکه سفالگران آن دوره به مواد و خاک مناسب دسترس نداشتند، با وام‌گیری از نمونه‌های چینی و افزودن ابداعاتی از خودْ آثاری ماندگار پدید آوردند. فن و هنر سلادون چینی محرک و آموزندهٔ سفالگران ایرانی بود؛ اما به‌تدریج، سفالگران ایرانی موفق شدند آثاری مطابق ذوق ایرانی پدید آورند.□

کتاب‌نامه

توحیدی، فائق. *فن وهنر سفالگری*، تهران، سمت، ۱۳۷۹.

دورانت، ویل و آریل. *تاریخ تمدن، جلد اول، مشرق زمین گهوارهٔ تمدن*، ترجمهٔ امیرحسین آریان‌پور، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

رحیمی، افسون و مهران متین. *تکنولوژی سرامیکهای ظریف*، تهران، شرکت صنایع خاک چینی ایران، ۱۳۶۸.

کریمی، فاطمه و محمدیوسف کیانی. *هنر سفالگری دورهٔ اسلامی ایران*، تهران، مرکز باستان شناسی ایران، ۱۳۶۴.

گاردنر، هلن. *هنر در گذر زمان*، ترجمهٔ محمدتقی فرامرزی، تهران، نقش جهان، ۱۳۷۸.

Fehervari, Geza. *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*, I. B. Tausis, 2000.

———. *Islamic Pottery*, Faber and Faber, 1975.

Grube, Ernest. *Islamic Pottery of the eighth to the Fiftinth Century in the Keir Collection*, Faber and Faber, 1976.

Krahl, Regina in collaboration with Nurdan Erbahar. *Chinese Ceramics in Topkapi Seray Museum, Istanbul*, Sothebys Publications, 1986.

Lane, Arthur. *Lather Islamic Pottery: Persia, Syria, Egypt, Turkey*, Faber and Faber, 1971.

Pop, A. *Chinese Porcelains from the Ardebil Shrine*, Washington, Freer Gallery of Art, 1956.

Tichane, Robert. *Celadon Blues*, Krause, 1998.

Wen, Lizhiyan and Cheg. *Chinese Pottery and Porcelain*, China, Foreign Languages Press, 1996.

http://netra.glendale.cc.ca.us/ceramics/koryomeiping.html.

http://www.turkey.org.cu/english/chinese_ceramics_in_the_topkapi.html.

پی‌نوشتها:

۱. دانشیار گروه سرامیک دانشکده مهندسی مواد و متالورژی، دانشگاه علم و صنعت ایران

این مقاله بر مبنای تحقیق این منبع تهیه شده است:

ساناز رنجی، *لعاب سلادون*، پایان‌نامهٔ دوره کارشناسی رشتهٔ صنایع دستی (گرایش سفال)، استاد راهنما: دکتر حسین سرپولکی، تهران، دانشگاه الزهرا، بهار ۱۳۸۶ (منتشرنشده).

۲. افسون رحیمی و مهران متین، *تکنولوژی سرامیکهای ظریف*، ص۴۶.

۳. همان، ص۴۷.

۴. همان‌جا.

5. Arthur Lane, *Lather Islamic Pottery*, p. 105.

۶. رحیمی و متین، همان، ص۳۹.

۷. سعید نفیسی، *فرهنگ لغات فرانسه به فارسی*، ۱۳۴۶.

8. *Concise Oxford Dictionary*, 1976.

9. Lizhiyan and Cheng Wen, *Chinese Pottery and Porcelain*, p. 45.

۱۰. سلادون نامی است که فرانسویان در قرن هفدهم با مشاهدهٔ این نوع ظروف بدانها دادند.

۱۱. در مقابر چینیان، سنگ یشم به‌وفور یافت شده است؛ چرا که آنان معتقد بودند که این سنگ خاصیت جادویی دارد و از جسد متوفا نگهداری می‌کند.

۱۲. دورانت، *تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهوارهٔ تمدن*،ص۹۲۴.

13. Robert Tichane, Celadon Blues, p. 55.

14. ibid.

15. ibid.

۱۶. تا کنون ظرف و لعاب سلادون در اروپا به دست نیامده است و تلاش برای یافتن آن ادامه دارد.

17. Lizhiyan and Cheng Wen, op. cit., p. 8.

۱۸. واژهٔ «پورسلن» از واژهٔ ایتالیایی «پورچل» (purcell) گرفته شده است. «پرسلا» نام حلزونی در دریای مدیترانه است با صدف سفید و نیمه‌شفاف است. اولین بار مارکوپولو در قرن سیزدهم میلادی از این کلمه برای نامیدن ظروف چینی استفاده کرد. ــ رحیمی و متین، همان، ص۲۱ و ۲۲.

19. Lizhiyan and Cheng Wen, op. cit., p. 8.

20. ibid., p. 46.

21. ibid., p. 46-47.

22. ibid., p. 47.

23. ibid.

24. ibid., p. 60.

25. A. Pop, *Chinese Porcelains from the Ardebil Shrine*, p.153.

۲۶. هلن گاردنر، *هنر در گذر زمان*، ص۷۲۰.

27. Regina Krahl, *Chinese Ceramics in Topkapi Seray Museum, Istanbul*, p. 235.

28. ibid., p. 234.

29. ibid.

30. ibid., p. 240.

31. http://netra.glendale.cc.ca.us/ceramics/koryomeiping.html.

32. Krahl, op. cit., p. 235.

33. http://www.turkey.org.cu/english/chinese_ceramics_in_the_topkapi.html

34. Geza Fehervari, *Ceramic of the Islamic World*, p. 276.

35. idem, *Islamic Pottery*, p. 119.

36. idem, *Ceramic of the Islamic World*, p. 217.

37. ibid.

38. ibid., p. 277.

39. ibid.

۴۰. شهری است [به ناحیت کرمان]، میان سیرگان و بم.ــ *حدود العالم*، نقل‌شده در دهخدا، ذیل «غبیرا».ــ و.

41. Fehervari, *Ceramic of the Islamic World*, p. 277.

42. idem, *Islamic Pottery*, p. 125.

43. ibid.

44. Ernest Grube, *Islamic Pottery*, p. 278.

۴۵. کریمی و کیانی، *هنر سفالگری دورهٔ اسلامی ایران*، ص۶۸.

۴۶. «تک‌رنگ» در توصیف نوعی ظرف سفالی با زمینه رنگی عمدتاً آبی، سبز، قهوه‌ای به کار می‌رود که گاهی جزئیات اندکی با رنگهای دیگری به آن افزوده می‌شود. برخی از این ظروف نیز بدون تزیین است.ــ فائق توحیدی، *فن و هنر سفالگری*، ص۲۸۷.

47. Fehervari, *Ceramic of the Islamic World*, p. 277.

48. ibid.